

«دلایل سیاسی و اقتصادی صلح امام حسن علیه السلام»

سهیلا انصاری^۱

چکیده

یکی از اهداف روابط بین دولت‌ها و حکومت‌ها، حفظ و برقراری صلح است. دشمن، سعی می‌کند تا با استفاده از ترفند و حيله و شیوه‌ای، صفوف به هم پیوسته مسلمانان را از هم جدا کند. امامان معصوم علیهم‌السلام، در دوره‌های مختلف، هدف و مقصد یگانه‌ای داشته‌اند و برای رسیدن به آن از روش‌ها و ابزار گوناگونی، استفاده کرده‌اند. در این میان، حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام، از شیوه صلح در برابر معاویه استفاده می‌کند. ایشان، در شرایط بسیار حساس زمان خود، با تدبیری توانست هم اصل دین را حفظ کند و هم شیعه را از یک موقعیت بحرانی نجات دهد. هدف از این پژوهش بررسی «دلایل سیاسی و اقتصادی صلح امام حسن علیه‌السلام» است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی و روش جمع‌آوری اسنادی و کتابخانه‌ای، گردآوری شده است. دلایل سیاسی این صلح، شامل: حفظ جان شیعیان، عدم همراهی اقوام و خویشان امام، فقدان نیروهای ارزنده جبهه نیرومند داخلی، ناکام گذاشتن معاویه با پذیرش صلح، شایعه‌سازی معاویه در پذیرش صلح توسط امام حسن علیه‌السلام، بصیرت سیاسی امام، رواج بی‌اعتقادی در جامعه و سیاست‌دانی معاویه و اطرافیانش و دلایل اقتصادی آن عبارت از نیازدگی و پول‌پرستی، فرستادن دو جاسوس با سکه‌ها طلا، امکانات رفاهی معاویه و سبک زندگی سرمایه‌محور است.

کلیدواژه: امام حسن علیه‌السلام، بیعت، دلایل سیاسی و اقتصادی، صلح، معاویه.

۱. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، اصفهان، بهار ۱۴۰۳.

۰۹۱۳۷۹۴۶۹۹۸-ansarishoheila۱۵۲@gmail.com

مقدمه

یکی از روش‌های سیاستمداران برای اداره کشور و اجرایی کردن برنامه‌های حکومتی خود، استفاده از شیوه صلح است. در زمان اهل بیت علیهم‌السلام، نیز این مسئله، مطرح بوده است.

امام حسن علیه‌السلام، که پیشوای دوم ما شیعیان است نیز بنا بر دلایلی، مجبور به استفاده از این شیوه شده‌اند.

صلح امام حسن علیه‌السلام، با معاویه، قراردادی است که در سال ۴۱ هجری قمری، بسته شد. پس از شهادت امام علی علیه‌السلام، در ماه رمضان ۴۰ هجری، مسلمانان با امام حسن علیه‌السلام، که پسر بزرگ ایشان بود، به عنوان رهبر و امام حکومت اسلامی، بیعت کردند. معاویه، در شام مدعی خلافت بود و حاضر به بیعت با امام حسن علیه‌السلام، نشد و با فراهم کردن لشکری برای جنگ با امام به سوی عراق حرکت کرد.

دلایل متعددی بر صلح آن حضرت با معاویه وجود داشته است. اکنون این مقاله، برای پاسخ‌گویی به این مسئله که، «دلایل سیاسی و اقتصادی صلح امام حسن علیه‌السلام، چیست؟» به رشته تحریر در آمده است.

این پژوهش، از نوع بنیادی توصیفی است و جمع‌آوری اطلاعات به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای بوده است.

در این زمینه، کتاب‌ها و پژوهش‌هایی نوشته شده است که اختصاراً به چند مورد از آن اشاره می‌شود:

«راضی آل یاسین» در کتاب «صلح امام حسن علیه‌السلام پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ، ترجمه علی خامنه‌ای، تهران: آسیا، ۱۳۹۷ هـ ش» به طور کلی از زندگانی امام حسن علیه‌السلام و صلح و موقعیت سیاسی آن حضرت و مواد قرارداد آن سخن گفته است.

کتاب «قصر تنهایی، حماسه صلح امام حسن علیه‌السلام»، به قلم «مهدی خدامیان آرای، قم: وثوق، سال ۱۳۸۵ هـ ش» که در این کتاب، پاسخ به این سؤال است که چرا امام حسین علیه‌السلام، حماسه کربلا را به وجود آورد؛ ولی امام حسن علیه‌السلام، نتوانست در مقابل دشمن، استقامت کند و صلح کرد؟

کتاب «تحلیلی از زندگانی سیاسی امام حسن مجتبی علیه السلام»، از «جعفر مرتضی عاملی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۴ هـ ش» که به زندگانی سیاسی امام حسن علیه السلام، در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و خلفای سه گانه پرداخته است.

«آصف کاظمی» در پژوهش «رفتارشناسی سیاسی امام حسن بعد از صلح، مطالعات اهل بیت شناسی، بهار و تابستان ۱۳۹۴ هـ ش، شماره ۲، ص ۹۵-۱۲۲» که رفتار سیاسی امام حسن علیه السلام، در ۱۰ سال امامت ایشان را مورد بررسی قرار داده است.

وجه تمایز این مقاله با پژوهش‌ها و کتاب‌های نام برده، این است که آنها به صورت کلی به موضوع صلح امام حسن پرداخته‌اند ولی در این مقاله به صورت جزئی‌تر و اختصاصاً فقط به بیان دلایل سیاسی و اقتصادی صلح امام حسن علیه السلام، پرداخته می‌شود.

مفهوم‌شناسی صلح

واژه «صلح» از ماده «ص ل ح» و ثلاثی مجرد است. «فراهِیدی» در کتاب «العین»، درباره صلح چنین می‌گوید: «تصالح القوم بینهم»^۱.

صلح به معنای مسالمت، سازش. راغب آن را از بین بردن نفرت میان مردم، معنی کرده.^۲

«الصَّلَاحُ: ضِدُّ الْفُسَادِ وَ هُمَا مَخْتَصَّانِ فِي أَكْثَرِ الْأَسْتِعْمَالِ بِالْأَفْعَالِ»^۳.

صَلَحَ: النِّشَاءُ «صُلُوحاً» مِنْ بَابِ قَعَدَ وَ «صَلَاحاً» أَيْضاً وَ (صَلَحَ) بِالضَّمِّ لُغَةٌ وَ هُوَ خِلَافُ فُسَدَ وَ «صَلَحَ، يَصْلُحُ» بِفَتْحَيْنِ لُغَةٌ ثَالِثَةٌ فَهُوَ صَالِحٌ»^۴.

در کتاب «فرهنگ معاصر عربی- فارسی»، صلح به معنای آشتی، سازش، توافق و مصالحه معنا کرده است.^۵

صلح، به معنای فقدان کامل هر گونه درگیری نیست. این به معنای عدم وجود خشونت در تمام اشکال و آشکار شدن درگیری‌ها در راه سازنده است.

۱. فراهِیدی، العین، ج ۳، ص ۱۱۷.

۲. قرشی بنائی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۱۴۱.

۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۴۸۹.

۴. فیومی، دایرة المعارف، ص ۳۴۵.

۵. آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی فارسی- ص ۵۷۹.

بنابراین صلح در جایی وجود دارد که در آن مردم، تعامل مصالحت‌آمیز داشته باشند و تعارضات خود را به صورت مثبت، با توجه احترام‌آمیز به نیازهای مشروع و منافع همه در مسائل مهم، مدیریت کنند.^۱

در فرهنگ و فقه سیاسی اسلام، دو واژه «سلام» و «صلح»، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و بی‌دلیل نیست که اسلام در روابط بین‌المللی پیامبر صلی الله علیه و آله، نیز در رسالت و سیاست خویش، اصل همزیستی مسالمت‌آمیز را به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بین پیروان خود و مناسبات آنها با سایر ملت‌ها، مطرح کرده است؛ زیرا مقتضای فطرت انسان در مناسبات و روابط خود با هموعانش همزیستی و مسالمت‌آمیز است. از منظر اسلامی، جنگ و ستیز، حالت عارضی و موقت و نه طبیعی و دائم دارد.^۲

واژه‌های «صلح» و «دوستی»، از آغاز بشر تا کنون جزء پرکارترین واژگان به شمار آمده‌اند؛ چنان‌که در کتب آسمانی مانند قرآن، انجیل و تورات و کتاب‌های عرفانی، فلسفی و ادبی نیز به فراوانی از آن یاد شده و در اندیشه‌های عارفان، ادیبان، حکیمان و شاعران گوناگون، جا گرفته‌است. در ادبیات عرفانی نیز، عارفان به وصف کردن واژه‌های صلح و دوستی، اهمیت زیادی داده و در متون عرفانی خود، مکرر انسان‌ها را به صلح و دوستی، دعوت کرده‌اند.

مولوی، یکی از مهم‌ترین عارفان قرن هفتم هجری، (سیزدهم میلادی) می‌باشد که با آثار گران‌بها و ارزشمند خود در جهان نور عرفانی، آشتی و دوستی را پراکنده کرده‌است.

مولوی، در آغاز مثنوی، وجود انسان را به نی‌ای مانند کرده که از نیستان و اصل خود، جدا افتاده و به سبب این جدایی، فریاد و شکایت سر داده است.

پس انسان باید تلاش کند تا از قید و بندهای دنیوی ببرد و سرانجام به اصل خود بازگردد. چنین انسانی در طول زندگی خود، فردی بی‌آزار و صلح‌جو، خواهد بود.^۳

۱. کوهکن، «انقلاب اسلامی و گسترش صلح مثبت»، ص ۱۱.

۲. همان، ص ۱۵.

۳. تمیزال، «صلح و دوستی»، ص ۱.

الف. دلایل سیاسی

برخی از عواملی که باعث شد امام حسن علیه السلام، با معاویه صلح کند، دلایل سیاسی است. این دلایل، عبارتند از حفظ جان شیعیان و اسلام، عدم همراهی اقوام و خویشان، ناکام گذاشتن معاویه با پذیرش صلح، بصیرت سیاسی امام، رواج بی‌اعتقادی در جامعه و سیاست‌دانی معاویه و اطرافیانش.

قرآن کریم درباره برتری صلح و سازش می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ^۱»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در صلح و آشتی درآیید! و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست»

۱. حفظ جان شیعیان

از عوامل مهم صلح امام حسن علیه السلام، با معاویه، تمایل شدید آن حضرت به حفظ جان مسلمانان بود؛ زیرا نمی‌خواست، خون آن‌ها بی‌دلیل ریخته شود و اگر جنگی با معاویه در می‌گرفت، نه تنها شیعیان و خاندانش قربانی می‌گشتند، ریشه اسلام نیز می‌خشکید؛ چنان‌که در دفاع از صلح خود می‌فرماید:

«من ترسیدم که ریشه مسلمانان از روی زمین کنده شود و خواستم برای دین، نگهبانی باقی بگذارم».^۲

قابل توجه است که، یکی از مهم‌ترین رفتارهای امام، حفظ یاران و شیعیان بود.

اگر چه حفظ جان شیعیان از مصادیق مصالح عمومی است؛ ولی از آنجایی که شیعیان، حافظان و پاسداران دین و موالی اهل بیت علیهم السلام، بوده‌اند، حفظ جان آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.^۳

امام حسن علیه السلام، در پاسخ به پرسش ابوسعید، درباره پذیرش صلح خود با معاویه فرمودند:

«اگر من این کار را انجام نمی‌دادم و با معاویه صلح نمی‌کردم، هیچ شیعیانی از شیعیان ما در روی زمین باقی نمی‌ماند و همگی به دست سپاهیان معاویه کشته می‌شدند».^۴

۱. بقره: ۲۰۸.

۲. مولوی‌نیا، تاریخ چهارده‌م‌م‌عصوم، ص ۱۴۹.

۳. کاظمی، رفتارشناسی سیاسی امام حسن علیه السلام بعد از صلح، ص ۱۰۱.

نتیجه‌گیری

با وجود موانع بسیاری، قیام مسلحانه از سوی امام، در روزگار معاویه نه مفید و نه مقدور بود. صبر و صلح آن حضرت، مدبرانه و حکیمانه بود. اگر حکومت الهی امام ایجاد می‌شد، معاویه با حيله‌ها و ترفندهایی که به کار می‌بست، چهره حکومت امام را در بین مردم، مخدوش می‌کرد و میان آنان به ویژه مردم عراق، تفرقه‌افکنی می‌کرد.

امام، بنا به دلایلی مجبور به صلح شد. به همین خاطر، در مقاله حاضر با ارائه دسته‌بندی جدید، به صورت بررسی دلایل سیاسی و اقتصادی صلح، به آن پرداخته شد.

مهم‌ترین دلیل از دلایل سیاسی، حفظ اسلام و جان شیعیان است. امام نمی‌خواست که خونی از شیعیان بی‌جهت ریخته شود؛ زیرا حفظ جان شیعیان از مصادیق مصالح عمومی است.

اکثر یاران و خویشان امام، افرادی بی‌عرضه و ترسو بودند که می‌خواستند امام را به معاویه تحویل دهند از جمله پسرعمویش عبیدالله بن عباس که دست از یاری او برداشت و به دشمن پیوست که عدم همراهی اقوام و خویشان امام را شامل می‌شد.

سپاه عراق، سپاهی پراکنده و خالی از شخصیت‌های بارز و نامی، از مردان اسلام بود که حق پیامبر و خاندانش را به خوبی می‌دانستند و این سپاه از نیروهای ارزنده و جبهه نیرومند داخلی بهره‌مند نبود.

امام حسن علیه‌السلام، با پذیرش صلح، معاویه را در اجرایی کردن برنامه‌ها و اهداف شوم خود ناکام گذاشت؛ زیرا که معاویه امید داشت یا امام حسن علیه‌السلام، به دست یاران خود کشته و یا اسیر شود و به معاویه تحویل داده شود.

از دیگر عوامل سیاسی، شایعه‌سازی معاویه می‌باشد. معاویه، کسانی را پنهانی در بین لشکر قیس بن سعد، سردار لشکر امام و گروهی را نیز میان لشکر امام حسن علیه‌السلام، می‌فرستاد تا به دروغ شایعه کنند که قیس یا امام، صلح کرده‌اند.

بصیرت سیاسی امام و رواج بی‌اعتقادی در جامعه، از عوامل دیگر سیاسی صلح امام حسن علیه‌السلام، است. مردم آن روزگار چنان بی‌عقیده شده بودند که شأن امام را به خوبی نمی‌دانستند تا جایی که حکم به تکفیر امام دادند.

معاویه و اطرافیانش، افرادی سیاست‌دان و زیرک بودند و در هر فرصتی، از هر شیوه و تدبیری برای رسیدن به مقصود خود استفاده می‌کردند.

این قرارداد صلح، بنا بر دلایل اقتصادی نیز انجام گرفت مانند دنیازدگی و پول پرستی چرا که هر شخصی اگر ایمان و عقیده ضعیفی در مورد کار مورد نظرش، داشته باشد، می‌تواند طعمه چنین پیشنهادی شود در حالی که سرلشکر امام حسن علیه‌السلام، سعد بن قیس، فریفته چنین پیشنهادی نشد.

همچنین فرستادن دو جاسوس با سکه‌های طلا و پول پرستی، از دیگر دلایل اقتصادی به شمار می‌رود. معاویه سعی کرد که با هزینه کردن پول و سکه‌های فراوانی که متعلق به بیت‌المال مسلمین بود، اطرافیان امام را به سوی خود بکشانند.

معاویه از امکانات مالی و رفاهی بسیاری برخوردار بود و با بذل و بخشش آن توانست افراد زیادی را با خود همراه کند.

در نهایت، سبک زندگی سرمایه محوری که توسط جریان نفوذ از زمان پیامبر به صورت مخفیانه وجود داشت، در زمان خلفای سه‌گانه به اوج رسید و در زمان امیرالمؤمنین باعث تحمیل جنگ‌های گوناگون بر ایشان و در زمان امام حسن، کار را به جایی رساند که ایشان، چاره‌ای جز صلح نداشتند

فهرست منابع

* قرآن کریم ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

* نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی.

منابع فارسی:

- ۱- ابن میثم، میثم بن علی، شرح نهج البلاغه، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم و علی اصغر نوایی یحیی زاده، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۹۰ هـ ش.
- ۲- آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران: نی، ۱۳۸۳ هـ ش.
- ۳- آل یاسین، راضی، صلح امام حسن، پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ، ترجمه علی خامنه‌ای، تهران: آسیا، ۱۳۹۷ هـ ش.
- ۴- جمعی از نویسندگان، امام حسن علیه السلام، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۵ هـ ش.
- ۵- حسینی عاملی، جعفر، تحلیلی از زندگانی امام حسن علیه السلام، ترجمه محمد سپهری، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۴ هـ ش.
- ۶- حکیم، محمدحسین، دلائل القوه فی صلح امام حسن علیه السلام، بی جا: بی نا، بی تا.
- ۷- خدامیان آرای، مهدی، در قصر تنهایی، قم: وثوق، ۱۳۸۵ هـ ش.
- ۸- خرازی، محسن، پیشوای دوم امام حسن، بی جا: انتشارات راه حق، ۱۳۹۵ هـ ش.
- ۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران: المکتبه المرتضویه لإحیاء آثار الجعفریه، ۱۳۸۳ هـ ش.

۱۰- شریف القرشی، باقر، زندگانی امام حسن، ترجمه فخرالدین حجازی، تهران: بعثت: ۱۳۷۶ هـ ش.

۱۱- صاعد اصفهانی، محمدعلی، مهر پرور، علیرضا، مهدی پور، علی اکبر، امام حسن در مصافح، تهران: محمل، ۱۳۹۱ هـ ش.

۱۲- فیومی، احمد، دایرة المعارف، بی جا: بی نا، بی تا.

۱۳- مدرس وحید، احمد، شرح نهج البلاغه، قم: بی نا، بی تا.

۱۴- مکارم شیرازی، ناصر، پیام های امام امیر مؤمنان علیه السلام، بی جا: بی نا، بی تا.

۱۵- مولوی نیا، محمدجواد، تاریخ چهارده معصوم، قم: امام عصر، ۱۳۸۴ هـ ش.

۱۶- نواب لاهیجی، محمدباقر، شرح نهج البلاغه، بی جا: میراث مکتوب، ۱۳۹۷ هـ ش.

۱۷- یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، بی جا: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ هـ ش.

منابع عربی:

۱۸- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: هجرت، ۱۴۰۹ هـ ق.

۱۹- قرشی بنائی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۰۷ هـ ش.

مقالات:

۲۰- تمیزال، علی، «صلح و دوستی»، نشریه مطالعات زبان فارسی، ۱۳۹۹ هـ ش، دوره ۳، شماره ۶، ص ۱.

۲۱- توفیق، ابوعلم، «ارزیابی حرکت امام حسن علیه السلام»، ترجمه عبدالله امینی، نشریه حکومت اسلامی، ۱۳۸۱ هـ ش، شماره ۲۵، ص ۲۳.

- ۲۲- رمزیار، مرضیه، «مطالعه تطبیقی فریقین درباره زمینه‌ها و دلایل صلح امام حسن»، ۱۳۹۶ هـ ش، ص ۱۳۷.
- ۲۳- علی‌پور شیرجو پشت، مجید، «کنکاشی در چرایی صلح امام حسن علیه‌السلام»، ۱۳۹۴ هـ ش، ص ۶۰.
- ۲۴- فتحی، محمدعلی، «نظر امام صادق درباره صلح امام حسن»، ۱۳۹۹ هـ ش، ص ۱.
- ۲۵- قاسمی‌شوب، محمد، شاه‌رودی، محمدرضا، ایازی، علی، «بازشناسی مذاکره سیاسی امام حسن علیه‌السلام»، دو فصلنامه علوم انسانی، مجله پژوهش‌های سیاست اسلامی، ص ۵.
- ۲۶- کاظمی، آصف، «رفتارشناسی سیارسی امام حسن علیه‌السلام بعد از صلح»، مطالعات اهل‌بیت‌شناسی، بهار و تابستان ۱۳۹۴ هـ ش، شماره ۲، ص ۹۵-۱۲۲.
- ۲۷- کوهکن، علیرضا، «انقلاب اسلامی و گسترش صلح مثبت»، مقاله پژوهشی، ص ۱۱.
- ۲۸- محسنی، محمدسالم، «شرایط صلح از دیدگاه امام علی علیه‌السلام»، مقاله علیم- پژوهشی، شماره ۲۳، ص ۱.
- ۲۹- مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، نشریه معرفت، ۱۳۸۷ هـ ش، شماره ۲۹، ج ۲۹، ص ۹.
- ۳۰- واردی، تقی، «علل و عوامل صلح امام حسن مجتبی»، مهر: ۱۳۸۵ هـ ش، ش ۲۹۸، ص ۶.

سایت‌ها:

- ۳۱- <https://blog.montazer.ir/imam>
- ۳۲- <https://borna.news>
- ۳۳- <https://makarem.ir>
- ۳۴- <https://www.mehrnews.com>